گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۵۳۵۶۹۹
سه شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۵ ۱۳:۱۱

جنگ ایران هرمز را به چالش کشید

بازنویسی نقشه نفت جهان

اختلال در عبور نفت از تنگه هرمز، صادرکنندگان خاورمیانه را به توسعه مسیرهای جایگزین و واردکنندگان بزرگ انرژی را به جست‌وجوی منابع جدید واداشته است؛ روندی که در صورت تداوم جنگ می‌تواند به یک تغییر ساختاری در بازار جهانی نفت منجر شود؛ تغییری که امنیت مسیرهای انرژی را افزایش می‌دهد، اما هزینه انتقال نفت و در نهایت قیمت انرژی را بالا خواهد برد.

پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت: بازار جهانی نفت در شرایطی با تداوم ریسک‌های ژئوپلیتیکی در خاورمیانه مواجه است که اختلال در یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی جهان، رفتار تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را تغییر داده است.بر اساس گزارشی که اویل‌پرایس منتشر کرده، قیمت نفت در آستانه ثبت یک افزایش هفتگی دیگر قرار گرفته و تحولات جنگ در خاورمیانه همچنان مهم‌ترین عامل اثرگذار بر چشم‌انداز بازار انرژی است. صادرکنندگان نفت منطقه تلاش می‌کنند وابستگی خود به تنگه هرمز را کاهش دهند و واردکنندگان نیز برای جبران کاهش عرضه خاورمیانه به دنبال منابع جدید هستند. این تحولات اگرچه هنوز در مراحل اولیه قرار دارند، اما در صورت ادامه اختلال در مسیرهای سنتی صادرات نفت می‌توانند ساختار تجارت جهانی انرژی را برای سال‌ها تغییر دهند.

هرمز؛ گلوگاهی که دیگر مثل گذشته عبور نمی‌دهد

تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین مسیرهای صادرات نفت خام و گاز طبیعی مایع‌شده در جهان است. پیش از آغاز حملات آمریکا و اسرائیل به ایران، روزانه نزدیک به ۲۰ میلیون بشکه نفت خام از کشورهای حاشیه خلیج فارس از طریق این تنگه عبور می‌کرد. اکنون اما برآوردها از کاهش شدید این حجم حکایت دارد و میزان عبور نفت از این گلوگاه به حدود ۶ تا ۸ میلیون بشکه در روز رسیده است. اهمیت هرمز تنها به نفت محدود نمی‌شود. بخش بزرگی از تجارت جهانی گاز طبیعی مایع‌شده نیز به این مسیر وابسته است؛ موضوعی که پس از آسیب دیدن تاسیسات راس‌لفان قطر در جریان واکنش ایران به حملات آمریکا، ابعاد جدی‌تری پیدا کرده است. قطر، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز منطقه، با اعلام وضعیت فورس‌ماژور مواجه شده و حتی صادرات بخشی از گاز تولیدی خود را نیز با دشواری روبه‌رو می‌بیند.

عربستان و امارات به دنبال راه فرار از هرمز

اختلال در هرمز، کشورهای صادرکننده نفت منطقه را به سمت استفاده سریع‌تر از مسیرهای جایگزین سوق داده است. یکی از مهم‌ترین این مسیرها، تنگه باب‌المندب در جنوب شبه‌جزیره عربستان است. عربستان سعودی با معکوس کردن جریان خط لوله شرق به غرب، بخشی از نفت خود را به جای انتقال به سمت شرق و تنگه هرمز، به سمت غرب و بندر ینبع هدایت کرده است. اما این مسیر ظرفیت نامحدودی ندارد. بندر ینبع نمی‌تواند حجم نفتی مشابه بنادر بزرگ واقع در خلیج فارس را جابه‌جا کند و همین مسئله ظرفیت عربستان برای دور زدن هرمز را محدود کرده است. امارات متحده عربی نیز بخشی از صادرات نفت خود را به بندر فجیره منتقل کرده است؛ بندری که خارج از تنگه هرمز قرار دارد و از این منظر آسیب‌پذیری کمتری دارد. با این حال، فجیره نیز با محدودیت ظرفیت مواجه است. شرکت ملی نفت ابوظبی در نظر دارد ظرفیت خط لوله انتقال نفت خام به این بندر را دو برابر کند، اما اجرای این طرح دست‌کم تا سال آینده زمان خواهد برد. در نتیجه، کشورهایی که از قبل مسیرهای جایگزین در اختیار دارند، اکنون بیش از گذشته از آنها استفاده می‌کنند و کشورهایی که فاقد چنین زیرساخت‌هایی هستند، به دنبال ایجاد مسیرهای جدید هستند.

هزینه تغییر مسیر؛ نفت گران‌تر می‌شود

تغییر مسیر صادرات نفت تنها یک مسئله ژئوپلیتیکی نیست؛ این تحول مستقیماً بر هزینه تجارت انرژی اثر می‌گذارد. بر اساس گزارش مرکز تحقیقات انرژی و هوای پاک، مجموع هزینه واردات انرژی در جهان طی شش ماه از مارس تا اوت، در مقایسه با برآوردهای قبلی، ۳۳۰ میلیارد دلار افزایش یافته است. به بیان دیگر، جنگ و اختلال در بازار انرژی باعث شده هزینه واردات نفت و گاز در جهان حدود ۳۳۰ میلیارد دلار بیشتر از پیش‌بینی‌های قبلی شود. قیمت نفت نیز همچنان در سطوح بالایی قرار دارد و هر دو شاخص برنت و وست تگزاس اینترمدیت بالاتر از ۹۰ دلار در هر بشکه معامله می‌شوند. اما مسئله مهم‌تر از سطح فعلی قیمت‌ها، تغییر رفتار بازار است. حتی اگر قیمت نفت در روزها و هفته‌های آینده کاهش پیدا کند، ممکن است میزان این افت مانند چند ماه قبل نباشد. در گذشته بازار به پیام‌های سیاسی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، واکنش سریع و شدیدی نشان می‌داد و یک پیام در شبکه‌های اجتماعی می‌توانست قیمت نفت را به سرعت جابه‌جا کند. اکنون اما اختلال فیزیکی در عرضه و مسیرهای انتقال، وزن بیشتری در بازار پیدا کرده است. به همین دلیل، بازار نفت بیش از گذشته با محدودیت‌های واقعی عرضه، ظرفیت خطوط لوله، بنادر و هزینه حمل‌ونقل مواجه است؛ عواملی که با یک پیام سیاسی به‌سرعت برطرف نمی‌شوند.

آسیا مجبور به تغییر سبد نفتی شد

واردکنندگان بزرگ آسیایی سال‌ها مهم‌ترین مشتریان نفت و گاز خاورمیانه بوده‌اند. فاصله جغرافیایی کوتاه میان تولیدکنندگان خلیج فارس و بازارهای آسیایی باعث می‌شد نفت و گاز با هزینه حمل‌ونقل پایین‌تری به این کشورها برسد. اما اختلال در مسیرهای سنتی، این مزیت را کاهش داده است. اکنون بسیاری از واردکنندگان آسیایی مجبورند نفت را از منابعی با فاصله جغرافیایی بیشتر خریداری کنند. نتیجه این تغییر، افزایش مسافت حمل، هزینه بیمه، هزینه حمل‌ونقل و در نهایت افزایش قیمت تمام‌شده انرژی است. ژاپن نمونه روشنی از این وضعیت است. پیش از آغاز جنگ آمریکا و

اسرائیل علیه ایران، ژاپن تقریباً تمام نفت خام مورد نیاز خود را از خاورمیانه وارد می‌کرد؛ منطقه‌ای که برای کشوری با منابع طبیعی محدود، اهمیت حیاتی دارد. اما پس از آغاز جنگ، دولت ژاپن برای تأمین منابع جایگزین وارد عمل شد. آمریکا، کانادا، تولیدکنندگان نفت آفریقا و جمهوری آذربایجان اکنون در میان منابع جدید تأمین نفت این کشور قرار دارند.

این تغییر البته هزینه بالایی برای توکیو داشته است. هزینه واردات ژاپن در ماه ژوئیه به رکورد ۷۶.۳۹ میلیارد دلار رسید و با توجه به افزایش وابستگی این کشور به منابع دورتر نفت و گاز، احتمال افزایش این رقم در ماه اوت نیز وجود دارد. ژاپن تنها نمونه این تغییر نیست. کشورهای اروپایی نیز با شرایط مشابهی مواجه‌اند؛ از یک سو دسترسی آنها به بخشی از منابع خاورمیانه دشوارتر شده و از سوی دیگر، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها امکان استفاده گسترده از نفت روسیه را کاهش داده است. در مقابل، چین و هند تلاش کرده‌اند بخشی از کاهش دسترسی به نفت خاورمیانه را با افزایش خرید نفت خام روسیه جبران کنند.

بازار جهانی نفت در مسیر چندپارگی

مجموع این تحولات نشانه‌ای از شکل‌گیری یک روند تازه در بازار جهانی انرژی است؛ بازاری که ممکن است از یک شبکه نسبتاً متمرکز، به مجموعه‌ای از مسیرها و زنجیره‌های تأمین منطقه‌ای‌تر و چندپاره‌تر تبدیل شود. البته هنوز نمی‌توان با قطعیت گفت این تغییرات تا چه اندازه پایدار خواهند بود. اگر اختلال در تنگه هرمز موقتی باشد، بخش قابل توجهی از جریان‌های تجاری می‌تواند به شرایط قبلی بازگردد. اما اگر محدودیت در تردد نفتکش‌ها ادامه پیدا کند، انگیزه کشورهای صادرکننده برای سرمایه‌گذاری در مسیرهای جایگزین و انگیزه واردکنندگان برای تنوع‌بخشی به منابع تأمین افزایش خواهد یافت. در چنین شرایطی، ممکن است اهمیت هرمز در بلندمدت کاهش پیدا کند؛ نه به این دلیل که این تنگه اهمیت ژئوپلیتیکی خود را از دست می‌دهد، بلکه به این دلیل که کشورهای صادرکننده و مصرف‌کننده تلاش خواهند کرد وابستگی خود را به یک گلوگاه واحد کاهش دهند.

امنیت بیشتر، انرژی گران‌تر

شاید یکی از معدود پیامدهای مثبت این تحول، شکل‌گیری شبکه‌ای متنوع‌تر برای صادرات جهانی نفت باشد؛ شبکه‌ای که وابستگی کمتری به چند آبراه حیاتی داشته باشد و در برابر بحران‌های ژئوپلیتیکی انعطاف‌پذیرتر عمل کند. اما چنین شبکه‌ای هزینه خود را خواهد داشت. انتقال نفت از مسیرهای طولانی‌تر، استفاده بیشتر از خطوط لوله جایگزین، توسعه بنادر جدید، افزایش هزینه بیمه و رشد هزینه حمل‌ونقل دریایی، همگی به افزایش هزینه نهایی انرژی منجر می‌شوند. به این ترتیب، بازار جهانی نفت ممکن است در آینده از نظر امنیت و تنوع مسیرهای صادراتی مقاوم‌تر شود، اما این امنیت بیشتر احتمالاً با یک بهای مشخص همراه خواهد بود: نفت گران‌تر و تجارت انرژی پرهزینه‌تر.

اگر جنگ و اختلال در تنگه هرمز ادامه پیدا کند، آنچه امروز به‌عنوان واکنش اضطراری تولیدکنندگان و واردکنندگان دیده می‌شود، می‌تواند به یک تغییر دائمی در نقشه تجارت جهانی نفت تبدیل شود؛ تغییری که آثار آن حتی پس از پایان جنگ نیز در مسیرهای انتقال، قراردادهای نفتی و هزینه انرژی کشورها باقی خواهد ماند.اگر بخواهی، می‌توانم برای همین گزارش ۱۰ تیتر خیلی قوی‌تر و کلیک‌خورتر در سبک تجارت‌نیوز هم پیشنهاد بدهم؛ از تیترهای اقتصادی تا تیترهای ژئوپلیتیکی و هشداردهنده.